

## تاریخ پزشکی ایران و اسلام در فصلنامه پیام بهارستان

شمامه محمدی فر<sup>۱</sup>

الف- پیام بهارستان، فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون، دوره دوم، سال دوم، ویژه تاریخ پزشکی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، پاییز ۱۳۸۹، ۱۳۰۵ صفحه.

این شماره از پیام بهارستان نخستین شماره از سه شماره‌ای است که تاکنون این فصلنامه به تاریخ پزشکی اختصاص داده است. در مطالب این شماره به پزشکی دوره‌های صفویه (یک عنوان)، قاجاریه (۸ عنوان)، قاجاریه و پهلوی توأمان (۴ عنوان)، و پهلوی (۵ عنوان) توجه ویژه‌ای شده است. مقالات این شماره در چند دسته زیر تقسیم‌بندی می‌پذیرد:

۱- مقالاتی که ساختار شبه دائرة المعارفی و یا شبه علمی- پژوهشی دارند: بیشتر این مقالات بر پایه اسناد موجود تألیف شده و در پایان آنها از تصاویر اسناد استفاده شده آمده است. این مقالات عبارتند از: ۱- در مقاله‌ای مفصل، مستند و جذاب با عنوان «بیماری‌های عمومی در دوره پهلوی اول و اقدامات دولت برای مقابله با آن» (ص ۵۸-۱۱)، تاریخچه و اثرات برخی بیماری‌های واگیر مانند طاعون، آبله و مالاریا در دوره پهلوی اول و اقدامات دلسوزانه و مجدانه اهالی پزشکی و بهداشت دولت، علی‌رغم مخالفت عامه مردم با برخی روش‌های پیشگیری و



درمان مانند آبله‌کوبی، بررسی شده است. اطلاعات موجود در مقاله، مگر در موارد معدودی، مستند است و

<sup>۱</sup> بنیاد دائرةالمعارف اسلامی. sh.mohammadifar@yahoo.com

از مقالات روزنامه‌ها و مجلات سال‌های ۱۳۰۰ به بعد استفاده بهینه شده است. استفاده از حدود ۱۵۰ شماره روزنامه، مجله و کتاب مؤید مراجعه حداکثری مؤلفان به منابع وقت برای انتقال شایسته و بایسته مسائل مرتبط با بیماری‌های واگیر آن روزگار به خواننده و مستندکردن مطالب است. این سبک و سیاق در چند مقاله دیگر در این فصلنامه از جمله مقاله بعدی (شماره ۲ در این بند، از همان مؤلفان) دیده می‌شود. در پایان این مقاله تصاویر چند سند مرتبط با مقاله آورده شده است؛ ۲- «آلودگی آب و اقدامات دولت در دوره بیست ساله ۱۳۰۰-۱۳۲۰» (ص ۵۹-۶۶)؛ ۳- «داروسازی از دارالفنون تا تأسیس دانشگاه تهران با تکیه بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» (ص ۶۷-۹۸). خوشبختانه بیشتر اسناد دشوارخوان پایان مقاله بازنویسی شده‌اند؛ ۴- «نگاهی بر روند تأسیس مجلس حفاظالصحه با تکیه بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» (ص ۹۹-۱۴۱). اسناد دشوارخوان پایان این مقاله نیز بازنویسی شده‌اند؛ ۵- «امراض مسری و تأثیر آن بر کاهش جمعیت در دوره قاجاریه با تکیه بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» (ص ۱۴۲-۱۹۰). تصاویر اسناد پایان این مقاله نیز بازنویسی شده‌اند؛ ۶- «درباره بقراط و کتابشناسی آثار او در پزشکی دوره اسلامی» (ص ۲۷۵-۲۸۶). محتوای این مقاله به فراوانی در بسیاری از کتب و نشریات مرتبط با تاریخ پزشکی وجود دارد و مطلب جدیدی به خواننده عرضه نمی‌کند؛ ۷- «استفاده از اسناد برای تدوین تاریخ پزشکی ایران، لزوم، توجیه و بحث‌های نظری» (ص ۲۸۷-۲۹۲). مؤلف مقاله پس از انتقاد به تعریف عمومی سند از دیدگاه دینانی (در کتاب مقدمه‌ای بر آرشیو، مشهد، ۱۳۷۷ش) دامنه اسناد را فراتر از این تحدید می‌بیند. از جمله آنکه به درستی، روابط بیمار- پزشک و بیمار- دولت را نیز دخیل در این دامنه می‌داند. در صفحه بعدی، مؤلف چند مکان نگهداری اسناد در ایران و دو کتاب و دو مقاله برآمده از اسناد را معرفی می‌کند. نویسنده به دو کتاب یاد شده به علت نداشتن مباحث نظری انتقاد وارد می‌کند درحالی که رویکرد مؤلفان این آثار طرح مسائل نظری، یا نظریه‌پردازی نبوده است بلکه صرفاً به تاریخچه وقایع و آثار پزشکی زمان و مکان خاصی پرداخته‌اند. در پایان، مؤلف چند پیشنهاد سودمند و کارآمد برای استخراج و استفاده هر چه بیشتر از اسناد پزشکی عرضه می‌کند. عنوان مقاله، انتظار بیشتری از محتوای آن را در خواننده برمی‌انگیزد؛ ۸- مقاله «تاریخ پزشکی ایران در خلیج فارس» (ص ۳۰۰-۳۴۲) وضعیت پزشکی این منطقه را در برهه‌های گوناگون تاریخی از جمله در دوران شکوه تمدن عیلام، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، تمدن اسلامی، صفویه تا قاجاریه و قاجاریه بررسی می‌کند. امید است این مقاله که جزو نخستین تلاش‌ها برای شناساندن وضعیت تاریخ پزشکی این منطقه است، راه‌گشای پژوهش‌های بیشتر در این باره باشد؛ ۹- «بررسی ساختار و دگرگونی‌های مربوط به تاریخ مدرسه علوم عالی طب و داروسازی در ایران» (ص ۳۴۳-۳۶۳)؛ ۱۰- «تاریخ آموزش پزشکی در مدرسه دارالفنون» (ص ۳۶۴-۳۸۷)؛ ۱۱- «تاریخ تغییر و تحولات پزشکی پس از تأسیس مدرسه دارالفنون» (ص ۳۸۸-۴۲۸)؛ ۱۲- «روند تأسیس بیمارستان در ایران از دارالفنون تا تأسیس دانشگاه تهران با تکیه بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» (ص ۴۹۷-۵۵۴)؛ مؤلف این مقاله از ۱۸ سند مرتبط با موضوع یاری گرفته و موارد

دشوارخوان این اسناد را نیز بازنویسی کرده است؛ ۱۳- «بررسی وضعیت پزشکی و بهداشتی بیرجند در عصر پهلوی (۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ ش)» (ص ۵۹۱-۶۱۲)؛ ۱۴- «حفظ الصحه جدید: چند نکته در باب نوسازی نظام بهداشت و سلامت عمومی در عصر پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰)» (ص ۶۸۱-۸۸۵)؛ در پایان این مقاله، فهرست مفصل و ارزشمندی از اسناد (بیش از ۱۴۰ سند) به همراه نمایه نام بیماری‌ها، جای‌ها و افراد آمده است؛ ۱۵- «بیماری و عوامل بیماری‌زا در آینه جراید عصر قاجار» (ص ۸۸۶-۸۹۳)؛ ۱۶- «سندی در مورد وضعیت بهداشتی زندان نظمیه اصفهان در سال ۱۳۱۳ شمسی» (ص ۸۹۴-۹۰۸)؛ ۱۷- «کوششی دیگر در ارائه ساختار دانش پزشکی اسلامی به صورت نمودار» (ص ۹۰۹-۹۱۶)؛ با توجه به حجیم بودن و فهرست نداشتن کتب پزشکی دوره اسلامی و قرارگرفتن انبوهی از اطلاعات در مقابل خواننده، الگوگرفتن از این مقاله و استفاده از آن برای خلاصه کردن انبوه اطلاعات این منابع و در نتیجه فهم سریع و آسان آنها کارآمد و پرسود است؛ ۱۸- «بررسی پرکننده‌های دندان در گذر تاریخ» (ص ۹۴۰-۹۴۹)؛ ۱۹- «آفت و هرگونه زخم دهانی در متون پزشکی کهن» (ص ۹۵۰-۹۶۳)؛ ۲۰- مقاله «لزوم اخذ مجوز طبابت برای اطباء و نمونه‌ای از اولین تلاش‌های زنان برای دریافت آن» (ص ۹۷۷-۱۰۰۰) به دلیل آوردن اسنادی از تلاش یک زن همدانی برای دریافت مجوز طبابت، آن هم در شرایطی که حتی درس خواندن برای عموم زنان مورد پذیرش نبود، و مخالفت اهالی اداره معارف وقت همدان با آن، قابل توجه است. در پایان این مقاله علاوه بر تصاویر اسناد مرتبط با مقاله، چند تصویر از پزشکی در زمان قاجاریه نیز پیوست شده است که معلوم نشد ارتباط آنها با موضوع این مقاله چیست.

۲- **بازنویسی نسخ خطی و اسناد:** ۱- «کتاب مصور هیئت و تشریح، اثر قطب‌الدین محمدبن شیخ‌علی شریف لاهیجی (قرن ۱۱ ق)» (ص ۱۹۱-۲۶۸)؛ این رساله دارای یک مقدمه و سه فن است و هر فن در چند مقاله، به این ترتیب: فن اول در هیئت افلاک، فن دوم در صور کواکب مرصوده ثابت و مواقع آنها، و فن سوم در تشریح بنیه انسانی آمده است. تصاویر نفیس مربوط به هیئت از جمله صور فلکی، و تشریح بدن انسان در این بازنویسی آمده است؛ ۲- در مقاله «صدیق‌الحکما و معرفی یک سند قرارداد پزشکی از دوره قاجاریه» (ص ۲۶۹-۲۷۴)، زندگینامه صدیق‌الحکما، و اصل و بازنویسی متن سند قرارداد پزشکی او با اعیان و بزرگان شهر مراغه آمده است. شایسته بود اطلاعات بیشتری از زندگی این طبیب مراغی در اختیار خوانندگان قرار می‌گرفت زیرا از زندگی بیشتر پزشکانی که در خارج از پایتخت زندگی می‌کردند اطلاعات اندکی وجود دارد که استخراج و عرضه آنها بایسته است؛ ۳- بازنویسی ترجمه فارسی چهار رساله کوچک بقراطی در مقاله‌ای با عنوان «چهار رساله بقراطی: تصحیح ترجمه سوگندنامه،

<sup>۲</sup> نسخه دیگر این رساله که تنها شامل دو فن اول است در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم (فهرست نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۴۴۲۸) موجود است. مصحح می‌نویسد که اثر دیگری از قطب‌الدین لاهیجی نمی‌شناسد، اما لاهیجی آثار متعددی دارد که برخی از آنها منتشر شده است. برای اطلاع بیشتر مثلاً نگاه کنید به مقدمه لطایف الحساب قطب‌الدین لاهیجی، به کوشش محمد باقری، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران ۱۳۸۹.

ناموس الطب، وصیت‌نامه و سرگذشت بقراط از مختارالحکم» (ص ۹۶۴-۹۷۶) که مترجمی ناشناس آنها را در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری به فارسی برگردانده، در اختیار خوانندگان قرار گرفته است؛ ۴- در مقاله «کتابچه ظل السلطان در معالجه نقرس» (ص ۱۲۹۴-۱۲۹۹)، کتابچه‌ای با عنوان مرض نقرس و معالجات آن متعلق به ظل السلطان بازنویسی شده است. احتمالاً مؤلف آن سلطان حسین میرزا جلال الدوله، پسر ارشد ظل السلطان، است. او این رساله را برای پدرش که از نقرس رنج می‌برده نوشته است.

**۳- معرفی کتاب: ۱-** «معرفی اثری زیرساختی در زمینه استفاده از اسناد در مطالعات تاریخ پزشکی معاصر ایران» (ص ۲۹۳-۲۹۹) که به معرفی کتاب فهرست اسناد پزشکی موجود در معاونت اسنادی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است؛ ۲- «گزارشی درباره ساختار کتاب قانون ابن سینا» (ص ۴۲۹-۴۹۶): این مقاله را می‌توان فهرست کتاب قانون به زبان فارسی دانست. جای این سؤال وجود دارد که آیا صرفاً آوردن فهرست بخش‌های مختلف کتابی که چندین بار چاپ شده است (حتی اگر کتاب قطوری مانند قانون مدّ نظر باشد) برای نوشتن مقاله‌ای در حوزه تاریخ پزشکی کفایت می‌کند؟ اگر این فهرست برای یک نسخه خطی چاپ نشده تهیه شده بود تلاشی قابل توجیه و کارآمد بود، اما برای کتابی که بارها چاپ شده است، بیهوده به نظر می‌رسد.

**۴- معرفی پایان‌نامه:** در مقاله «بررسی ۶۶ عنوان از پایان‌نامه‌های دانشگاهی ایران در زمینه تاریخ پزشکی و علوم وابسته» (ص ۵۵۵-۵۹۰)، در ذیل هر عنوان پایان‌نامه، چکیده‌ای از محتوای آن آمده است. این مقاله تلاشی درخور تقدیر برای شناساندن پایان‌نامه‌های مربوط به تاریخ پزشکی و علوم مرتبط با آن مانند حقوق و فقه است.

**۵- معرفی اسناد: ۱-** در مقاله «معرفی و نمایه‌سازی پاره‌ای از اسناد موجود در کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی در زمینه پزشکی» (ص ۶۱۳-۶۸۰) تلاشی در خور توجه و تقدیر آمده که مؤلف در آن ۲۴۲ سند را معرفی و نمایه‌سازی کرده است؛ ۲- در مقاله‌ای پرزحمت و ارزشمند با عنوان «معرفی نمونه‌هایی از اسناد موجود در کتابخانه ملی ایران در زمینه تاریخ پزشکی ایران» (ص ۱۰۰۱-۱۲۹۳)، تصاویر مجموعه‌ای از اسناد در ۲۸۴ صفحه گرد آمده که در بردارنده موضوعاتی مانند بیماری‌ها، وضعیت بهداشت و بیماری‌های زنان، واژه‌های مصوب فرهنگستان، کتاب‌ها و جزوه‌ها و نشریات، تخلفات پزشکی و دارویی و بهداشتی، بهداشت زندانیان، مجانین و دارالمجانین، و شهادت‌نامه‌های مردم است. شایسته است گردآورنده این مجموعه ارزشمند یا کسانی دیگر به بازنویسی این اسناد، به‌ویژه موارد ناخوانا و دشوارخوان آنها همت بگمارند.

**۶- چاپ تصاویر مربوط به تاریخ پزشکی:** در مقاله «نمونه‌هایی از تصاویر تاریخ پزشکی اسلامی» (ص ۹۲۰-۹۲۸) نقاشی‌هایی از گیاهان دارویی، تصاویری نفیس از صفحات برخی کتب، ابزار پزشکی و داروسازی، و چند تصویر مربوط به پزشکان و داروسازان آمده است. در صفحه نخست این تصاویر، تصویر و یا کپی ماهرانه از نقاشی برخی گیاهان، بیشتر مربوط به دو قرن اخیر، دیده می‌شود که حاصل

هنر گیاه‌شناسان اروپایی و یا نقاشانی است که به سفارش این گیاه‌شناسان، نقاشی می‌کردند. به همین دلیل این نقاشی‌ها را، حتی اگر به منظور استفاده در کتب جدید مربوط به تاریخ پزشکی بازسازی شده باشند، نمی‌توان جزو تصاویر تاریخ پزشکی اسلامی آورد. مؤلف مقاله حتی به پیروی از همان گیاه‌شناسان اروپایی، نام علمی گیاهان را در زیر عکس‌ها آورده است. بدیهی است که در هیچ‌یک از کتب پزشکی دوره اسلامی، گیاه-داروشناسان اسلامی اشاره‌ای به نام علمی گیاهان نکرده‌اند و اساساً حکمای ایران و سایر کشورهای جهان اسلام، حتی تا قرن گذشته، چیزی از قوانین نامگذاری گیاهان نمی‌دانستند. بایسته بود که مؤلف این مقاله، به جای تصویر این نقاشی‌ها، تصاویری از نقاشی‌های گیاهان را در منابعی مانند الحشائش می‌آورد تا موضوعیت داشته باشد. همچنین شایسته بود که مؤلف در درج زیرنویس برای تصاویر بیشتر دقت می‌کرد، چنانکه در مورد تصاویر مربوط به کتاب کامل الصناعة الطیبة می‌بینیم که یک‌بار به صورت «کامل صناعة از ابوالحسن علی بن عباس»، و بار دیگر به صورت «کامل الصناعة الطیبة از علی بن عباس مجوسی اهوازی» آمده است. همچنین الجامع لمفردات الأدوية والأغذية به صورت «جامع المفردات الأدوية» آمده است.

۷- ترجمه: «واکاوی کتاب فی حفظ الاسنان و استصلاحها» (ص ۹۲۹-۹۳۹)، دربردارنده برگردان فارسی این رساله حنین بن اسحاق درباره پایدن و درمان کردن بافت‌های نگهدارنده دندان است.

تقریباً در همه صفحات فصلنامه، (به جز صفحات مربوط به چاپ تصاویر) خطاهای مطبعی و نگارشی (مانند «ساخت ایجاد» در ص ۱۱، «بعمل» در ص ۱۲ و «معالجه‌ایی» در ص ۱۳) و فنی (مانند «انستیتوپاستورها» در ص ۱۱) وجود دارد. شایسته بود که مقالات این شماره ارزشمند از پیام بهارستان به زیور ویرایش آراسته می‌شد.

### ب- پیام بهارستان، فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون، دوره دوم، سال سوم، ضمیمه شماره سیزدهم (ویژه طب سنتی ۲) کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، پاییز ۱۳۹۰، ۴۶۴ صفحه.

توجه روزافزون اهالی دانش پزشکی سنتی کشور در سال‌های اخیر، بیشتر به احیای نسخ خطی، ترجمه و شرح کتب، و تألیف مقالاتی در این عرصه معطوف بوده و کمتر به پزشکی عامه و شفاهی کشور پرداخته شده است. در جای‌جای سرزمینی با پیشینه کهن پزشکی، تجارب و اندوخته‌هایی در میان مردم وجود دارد که در کتاب‌ها یافت نمی‌شوند و کمترین سهل‌انگاری در ثبت این داشته‌های گران‌سنگ، باعث ناپدید شدن آنها برای همیشه خواهد شد. نمونه این گنجینه‌های ارزشمند، شکسته‌بندهایی معمولاً بی‌سوادند که با کمترین وسایل، اما با حکمتی عمیق که ریشه در فرهنگ اصیل و پزشکی بسیار کهن ایران دارد، به طبابت مشغولند و روزبه‌روز از شمار آنان کاسته می‌شود (کما اینکه یکی از شکسته‌بندهایی که متن مصاحبه با او در پایان این مجموعه چاپ شده است، کمتر از ۴ ماه پس از تاریخ مصاحبه

درگذشت؛ ← (ص ۴۲۳). به همین دلیل کاری که دست‌اندرکاران پیام بهارستان به آن پرداخته‌اند بسیار در خور توجه و تقدیر است. امید است که چرخ این تلاش شایسته باز نایستد زیرا یقیناً هنوز حوزه‌های بسیاری در پزشکی عامه و سینه به سینه مردم وجود دارد که نیازمند و در انتظار استخراج و ثبت برای آیندگان است. تلاشی چنین ارزشمند، شایسته آن بود تا با دقت و توجه بیشتری منتشر شود اما متأسفانه مقالات پربار این مجموعه هم بدون ویرایش انتشار یافته است. لذا برای نمونه به مواردی از خطاهای این شماره اشاره می‌شود. امید است که اهالی پیام بهارستان این نکات را برای کوشش‌های بعدی در نظر

داشته باشند. البته در شماره‌های قبلی و بعدی این فصلنامه، این فراوانی خطاها به چشم نمی‌آید. زیرا چنان‌که در درآمد این فصلنامه آمده، این مجموعه دربردارنده تک‌نگاری‌هایی است که قبلاً در پژوهشکده مردم‌شناسی، زبان و کتیبه‌های پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری انجام شده است.

۱- **کاستی‌های متنی:** در مقاله نخست، مؤلف از رسم نمودار یا نمودارهایی برای رسیدن به اصطلاحی مناسب برای انتخاب بین «پزشکی عامه» یا «پزشکی سنتی» خبر می‌دهد، اما چنین نموداری در مقاله به چشم نمی‌خورد. همچنین در مقاله «استهبان» (ص ۵۳) قرار است مؤلف توضیحاتی درباره طبایع و مشخصات آن (؟؛ احتمالاً داروهای مورد استفاده در



منطقه) و معرفی داروهای گیاهی و غیرگیاهی بیاورد اما در مقاله چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. در مقاله «پاکدشت و ورامین» (ص ۱۲۷) نیز، توضیحات ابتدای مقاله تنها در باره موقعیت جغرافیایی پاکدشت است و چیزی از اطلاعات جغرافیایی ورامین به چشم نمی‌خورد.

۲- **استفاده از واژه‌های محلی بدون آوردن معادل فارسی:** برای اغلب داروهای محلی، معادل فارسی آنها ذکر نشده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود: «ازبوه» (= آویشن؛ ص ۲۸)، کل کنه (= چای کوهی؛ ص ۳۰)، شومی شیطونی (= هندوانه ابوجهل، حنظل؛ ص ۳۰)، گژک (= دکمه، مهره آبی / چشم زخم، ص ۸۴)، ژویی (صمغ درختان، ص ۸۳). اگر نویسندگان این سلسله مقالات تا حد امکان معادل فارسی داروها را می‌نوشتند برای خوانندگان قابل استفاده‌تر بود. البته گاهی نیز در آوردن معنی و معادل، اشتباه رخ داده است چنانچه واژه «شت» (ص ۱۴۰) به معنی «بیمار روانی» است، نه «بیماری روانی».

**۳- آوردن جداولی گاه بیهوده و پرخطا:** در برخی مقالات، از جمله مقاله «اردبیل»، جداولی با عناوین داروهای گیاهی / غیرگیاهی به تفکیک نقاط بررسی شده به چشم می‌خورند. جدول‌هایی که جلوی نام برخی داروها و در زیر نام برخی شهرها علامت خورده است. احتمالاً منظور از این علامت آن است که فلان دارو در فلان شهر استفاده می‌شود. دیده می‌شود که حتی برخی داروهای مهم منطقه از جمله بابونه و بولاغ‌اوتی و برخی داروهای بسیار مشهور و عمومی از جمله پیشاب و انواع روغن‌ها فقط برای یک یا دو شهر علامت خورده‌اند. بعید است که با توجه به شهرت و پراکنش تقریباً عمومی برخی داروهای مهم مانند بابونه، شیرین‌بیان، بولاغ‌اوتی و از این دست، این داروها تنها در یک یا دو منطقه از استان اردبیل کاربرد داشته باشند. بنابراین در صحت این جداول باید شک کرد. چنانکه در ص ۳۳، استفادهٔ دارویی گیاه بومادران برای منطقهٔ آتشگاه علامت نخورده اما در ص ۴۳ همین مقاله به استفاده از آن به عنوان داروی کرم‌کش در همین منطقه اشاره شده است. همچنین در مقاله «استهبان»، در جداول پراکندگی داروهای گیاهی و غیرگیاهی به تفکیک مناطق بررسی شده (ص ۶۰-۶۲)، که احتمالاً منظور از واژهٔ پراکندگی، رواج آن دارو در مناطق مورد بررسی است، بیشتر گیاهان مذکور در جدول نخست در همهٔ مناطق وجود دارند. در موارد انگشت‌شماری هم که یک دارو در یک یا دو منطقه وجود ندارد احتمالاً ناشی از تحقیق ناکافی است. برای نمونه بعید است گیاهی به شهرت «اسطوخودوس» فقط در دو منطقه از شهرستان استهبان به کار رود. استفاده از دارویی مانند پوست پسته هم ظاهراً در هیچ‌کدام از مناطق علامت نخورده، اما در این جدول آمده است. به همین دلیل آوردن برخی از این جداول کاری بیهوده و حجم‌پرکن است.

**۴- در هم آمیختن باورها، بیماری‌ها و روش‌های درمانی بدون تفکیک و ترتیب:** شایسته بود که مندرجات مقاله‌ها در ذیل عناوین درستی تقسیم می‌شد که در برخی از مقاله‌ها این تفکیک به چشم نمی‌خورد. برای نمونه در صفحات ۴۵-۴۸ مقالهٔ اردبیل، «سستی کمر مردان» (بیماری)، «تعیین جنسیت جنین» (باور)، «حجامت کردن» (روش درمانی)، «زالواندازی» (روش درمانی) و «سوختگی» (بیماری) به ترتیب فوق و پشت سر هم آمده‌اند.

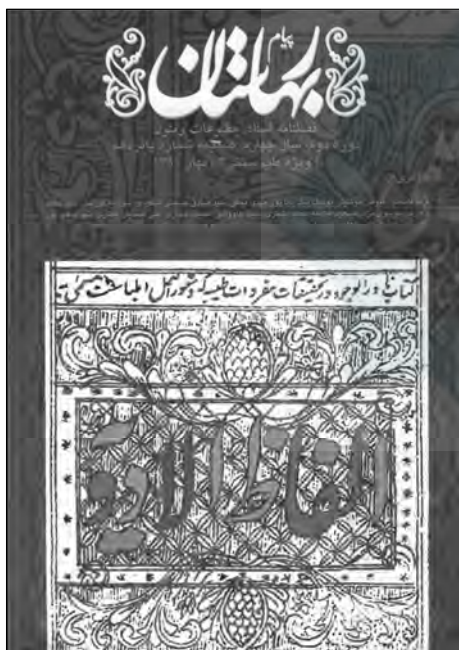
**۵- عیوب و غلط‌های مطبعی، نگارشی و فنی:** در بسیاری از صفحات واژه‌ها و ترکیبات غلط یا مبهمی به کار رفته است. برای نمونه «املاح زنجبیل» (احتمالاً به جای «کوبیده و نرم‌شدهٔ زنجبیل»؛ ص ۳۷)، «حجامت کردن از» (به جای «حجامت کردن در»؛ ص ۳۸)، «ماش سبز» (احتمالاً به جای «ماش تازه»؛ ص ۳۹)، «بادکش انداختن» (به جای «بادکش گذاشتن»؛ ص ۴۱)، «خوک» (به جای «گراز»؛ ص ۴۳)، «بندگرفتن» (؟؛ ص ۴۲)، و «رنگ برنزهٔ چشم» (؟؛ ص ۴۵) قابل ذکر است. غلط‌های فنی نیز به چشم می‌خورد. در ص ۳۸۴-۳۸۶، مؤلف مقالهٔ «میمند» کوشیده است تا بر خلاف سایر مؤلفان این مجموعه، نام‌های علمی گیاهان دارویی منطقه را در دو جدول بیاورد ولی کاش این زحمت را نمی‌کشید، زیرا واژه‌های درست این جداول به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد. برای نمونه واژه‌های Rhammn

و Lauraceae, Rhamnaceae Myristica و officinalis به جای صورت درست آنها یعنی Lauraceae, Rhamnaceae و Myristica آمده است. همچنین طبق قوانین ثبت اسامی علمی جانداران، نام‌های جنس و گونه باید به صورت ایتالیک، حرف نخست نام جنس باید بزرگ و حرف نخست نام گونه باید کوچک نوشته شود.

### ج- پیام بهارستان، فصلنامه اسناد، مطبوعات و متون، دوره دوم، سال چهارم، ضمیمه شماره پانزدهم (ویژه طب سنتی ۳)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، بهار ۱۳۹۱، ۱۰۹۵ صفحه.

مقاله‌های این شماره پیام بهارستان را می‌توان در چند دسته قرار داد:

۱- ترجمه: مقاله «ابزارهای جراحی به روایت ابوالقاسم زهراوی»، (ص ۹-۵۹) ترجمه و تلخیصی از کتابی با عنوان ابوالقاسم الزهراوی: مؤسس علم الجراحه است که به زندگینامه زهراوی و کتاب ارزشمندش می‌پردازد. بخش عمده مقاله شامل توضیح کاربرد ۱۱۲ نوع وسیله جراحی به همراه نقاشی تصاویر ۱۳۵ گونه از این وسایل است. برخی خطاهای فنی در این ترجمه و تلخیص دیده می‌شود. برای نمونه مترجمان در ص ۴۳ در ذیل «آثار و تألیفات او»، که بی‌شک باید فهرست کتب و رسائل زهراوی را قید کنند، این عبارات را آورده‌اند:



کتاب «التصريف...» و نخستین مورخی که از آن

نام برده است [؟]

- اسلوب کتاب «التصريف»، شیوه زهراوی در

تألیف آن

- مقاله‌های سی‌گانه، محتوا، ارزش علمی آن و

اثر آن در تألیفات دیگر پزشکان که از آن بهره

جسته‌اند.

- نسخه‌های خطی کتاب التصريف و اماکنی که این کتاب در کتابخانه‌های آن موجود است.

- ترجمه برخی از مقاله‌ها به زبان‌های... و تحقیق و نشر آن در اروپا و کشورهای عربی. در پایان

مقاله، پنج تصویر رنگی نفیس از برخی صفحات کتاب التصريف... زهراوی، بدون اشاره به مشخصات

نسخه مرجع، آمده است.

۲- معرفی نسخ خطی و عکسی: ۱- «سوغات طبی پاکستان: از (طب مراد) تا (مجرّبات سندی)»

(ص ۶۵-۱۰۵). این مقاله شامل معرفی پنج نسخه خطی و عکسی در زمینه پزشکی (دربدارنده چهار



کتاب و رساله و یک مجموعه هفت رساله‌ای)، یک «فهرستواره طبی» (شامل معرفی ۴۴ نسخه خطی، ۵۷۰ اثر چاپی، ۱۲۰ کتاب و رساله سندی؛ در مجموع ۱۱۳۵ عنوان به زبان‌های فارسی، عربی، اردو و سندی موجود در کتابخانه درگاه پیرمیان محمدی صاحب قریشی به تاریخ نگارش ۱۳۳۸ ق) و یک «مجموعه طبی سندی» (با چهار رساله) است. اهمیت این مقاله در آن است که به معرفی آثاری پرداخته است که گاه نمونه‌ای از آنها در ایران وجود ندارد و ارزش معرفی، بازنگاری و پژوهش دارند مانند طب مراد (اثر میرمیرادعلی خان تالپوری، به تاریخ تألیف ۱۲۱۶ ق)، گلشن اطباء (شامل چهار گلشن: در طب عملی و نظری، در علاج امراض از سر تا پای، در علاج امراض غیر معین به عضو، و در ذکر الفاظ ادویه و ذکر طبایع و درجات و بدل آن و مداوای سموم و دستورالعمل چوب چینی و عشب و فاذرهر، اثر بولچند سیوستانی)، و رساله نبض منظوم (تصنیف آخوندامیدعلی هالای عقیلی)؛ ۲- «معرفی بعضی آثار دست نوشت طب گیاهی و سنتی موجود در کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) قم» (ص ۵۹۷-۶۱۲) با معرفی پنج اثر طبی شامل کامل‌الصناعة مجوسی، دستورالعلاج سلطانعلی گنابادی، أقاویل الأوایل اسحق بن سلیمان القيروانی، بیان الطب حبیش تفلیسی، کفایة الطالبین ابوطالب شریف الحسینی.

**۳- چاپ تصاویری از نسخ و اسناد:** ۱- «منتخب تصاویر مهمترین نسخه‌های پزشکی کتابخانه‌های جهان» (ص ۶۱۳-۶۸۱) شامل ۶۹ تصویر رنگی و نفیس از متون خطی پزشکی دوره اسلامی؛ ۲- «نگاهی به اسناد پزشکی معاصر آذربایجان (موجود در گنجینه اسناد ملی ایران)» (ص ۹۳۱-۱۰۳۳).

**۴- مقالات عمومی که گاهی نیز سبک و سیاق مقالات دائرةالمعارفی را به خود گرفته‌اند:**  
 ۱- «تجربه در علم پزشکی و داروسازی» (ص ۶۰-۶۴)؛ ۲- «کوشش در جهت ارائه اجزاء دانش داروسازی دوره اسلامی به صورت نمودار» (ص ۴۵۸-۴۷۵). نویسنده این مقاله ویژگی‌های گوناگون مربوط به داروها مانند تأثیر، قوا، افعال، تعداد اجزاء، مزاج و مواردی از این دست را در قالب ۱۲ نمودار خلاصه و کامل به خوانندگان عرضه کرده است. مسلماً مطالب این نمودارها برگرفته از محتوای کتب طبی و داروسازی دوره اسلامی است، اما مقاله، بخش منابع ندارد. شایسته بود برای نمونه نام چند کتاب مهم دوره اسلامی مانند قانون و ذخیره خوارزمشاهی در پایان مقاله به عنوان مراجع این نمودارها آورده می‌شد؛ ۳- «کارنامک پزشکان طبری» (ص ۵۷۷-۵۸۵)، شامل توضیحاتی مختصر از ۱۸ اثر پزشکی مانند مفتاح الطب و منهج الطلاب (از ابوالفرج علی بن حسن بن هندو طبری)، فردوس الحکمه و حفظ الصحه (هر دو از علی بن سهل ربن طبری) و تحفة حکیم مؤمن.

**۵- مقالاتی که به تحلیل نسخ خطی یا کتب پزشکی پرداخته‌اند:** «نوشته‌های فارسی درباره‌ی گرایش‌های جنسی در چارچوب سنت پزشکی یونانی-اسلامی» (ص ۱۰۶-۱۱۹)، که بر اساس پنج دستنویس لذت النساء تألیف شده در هند و ارتباط بین مطالب این دستنویس‌ها با دیگر آثار تألیف شده به زبان فارسی در هند در زمینه گرایش‌های جنسی و کتب پزشکی دیگر مانند ذخیره خوارزمشاهی و علاجات داراشکوهی نوشته شده است.

۶- **بازنویسی نسخ خطی و گزارش‌ها:** ۱- «جامع الفوائد، نگاشته یوسف بن محمد بن یوسفی هروی، (متوفی ۹۵۰ ق)» (ص ۱۲۰-۲۳۸)؛ ۲- اثر منظوم حفظ‌الصحة، نگاشته یوسفی هروی (ص ۲۳۹-۲۴۹)؛ هر دو اثر فوق به قلم یک مصحح بازنویسی شده‌اند که در خور تقدیر است. شایسته بود تا با آوردن نمایه‌ای در پایان هر دو بازنویسی، استفاده از آنها برای خوانندگان آسان‌تر شود؛ ۳- رساله‌ای کوتاه از رازی با عنوان «در علت زکام ابوزید بلخی در فصل بهار، هنگام بوییدن گل سرخ» (ص ۲۵۰-۲۵۳)؛ ۴- رساله مفصل «درع الصحة (رساله در فصد و حجامت)، نگاشته محمد هاشم بن محمد طاهر طبیب تهرانی (قرن ۱۱ هجری قمری)» (ص ۲۹۶-۴۲۰)؛ صفحه نخست رساله پارگی دارد و به همین دلیل بازنویسان نسخه، تنها به بازنویسی سطر اول این صفحه بسنده کرده‌اند. شایسته بود که بازنویسان محترم و کوشا، صفحه نخست را بر اساس دیگر نسخ موجود از این رساله تکمیل می‌کردند تا بازنویسی پرزحمت این رساله مفصل به صورت کامل‌تری به خوانندگان عرضه شود؛ ۵- «رساله خواص الاشیاء از مؤلف ناشناخته» (ص ۴۲۱-۴۵۷)، در سه بخش؛ بخش نخست دارای پنجاه باب درباره بیماری‌ها و آفات، بخش دوم در بیان شعبده‌ها، بخش سوم که متمم بخش‌های پیشین است و مطالبی با عناوین «فایده» و «معالجه» یا درمان یک بیماری را ذکر می‌کند و ترتیب موضوعی ویژه‌ای ندارد؛ ۶- «گزارش بازدید از مازندران و گرگان، نوشته رئیس صحیة مملکتی (۱۳۰۶ ش)»، (ص ۵۶۲-۵۷۶)؛ ۷- بازنویسی دست‌نوشته‌ای کوتاه احتمالاً از یک طبیب یا داروساز مازندرانی در مقاله‌ای با عنوان «دست‌نوشته‌ای نویافته از طب سنتی» (ص ۵۸۶-۵۹۶). در پی‌نوشت این نوشته برخی خطاها به چشم می‌خورد. از جمله آنکه واژه «بادیان» در پی‌نوشت شماره ۹ معادل رازیانه و از تیره چتریان و در پی‌نوشت شماره ۵۱ درختچه‌ای از تیره ماگنولیاسه دانسته شده است؛ ۹- بازنویسی کتاب الفصول فی الطب (المرشد فی الطب) رازی به همراه چاپ عکسی نسخه (ص ۶۸۲-۹۳۰)، به ضمیمه نمایه‌ای در پایان نوشتار.

۷- **چاپ عکسی نسخ:** ۱- مقاله «معرفی رساله‌ای در موسیقی درمانی، برگرفته از آثار عبدالقادر مراغی (از سده دهم هجری)» (ص ۲۵۴-۲۹۵)، چاپ عکسی رساله‌ای در موسیقی درمانی، نوشته خواجه عبدالله بن سیف‌الدین غزنوی در قرن دهم است. یکی از شاخصه‌های ممتاز این رساله، مصوربودن آن به پانزده تصویر از نوازندگان مرد و زن، انواع سازها و مجالس موسیقی هرات است؛ ۲- «نسخه برگردان العشر مقالات فی العین (کتاب فی ترکیب العین و عللها و علاجها علی رأی ابقراط و جالینوس)، تألیف حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۰ یا ۲۶۴ ق)» (ص ۴۷۶-۵۶۱).

با اینکه صفحه عنوان این شماره حاکی از ویراستاری آن است اما خطاهای فراوانی در مقاله‌ها دیده می‌شود از جمله خطاهای چاپی مانند «فوق‌العاده تحصیل‌کرده‌ای» (ص ۲۴۰)، «تقویم‌الابدان» (ص ۵۹۹)، «بتوانید... برسانند» (ص ۱۰۳۵). خطاهای فراوان اینچنینی از کم‌کاری یا نبود ویراستار و نمونه‌خوان خبر می‌دهد. برای اثبات این ادعا نمونه‌ای دیگر در ص ۱۰۳۵ قابل ذکر است: «در سالنامه پاریس [؟]... زنده‌یاد امیر حامد، مطالبی در این خصوص چاپ گردیده بود آن هم در سال‌های دهه ۲۰ که با تاریخ بعضی

نسخه هم‌زمان می‌باشد».

مقاله‌های ناروشمندی نیز در مجموعه به چشم می‌خورد. برای نمونه، مؤلف یکی از مقالات در ص ۶۱۰-۶۱۱ به شرح یکی از تجربه‌های شخصی خود در کارآمدی طب سنتی پرداخته است. بی‌شک برخی روش‌های درمانی طب سنتی مؤثرتر از پزشکی نوین است، اما جای آوردن این تجارب شخصی در فصلنامه پیام بهارستان نیست. در مقاله‌ای دیگر با عنوان «اسناد و تصاویری پراکنده از طب و دارو در ادوار گذشته» (ص ۱۰۳۴-۱۰۹۵)، مؤلف مقاله پس از یک مقدمه دو صفحه‌ای، مطالب نسخه‌ای بی‌نام و نشان را که قبلاً هم در دهه ۲۰ در سالنامه پارس خلاصه و چاپ شده، آورده که دوباره کاری است. سپس تصاویری بدون زیرنویس، اعلان اطبا، آگهی‌هایی درباره داروها و مریضخانه‌ها را که بنا بر نوشته مؤلف قبلاً در همان سالنامه چاپ شده آورده است. از مضمون مقدمه مؤلف برمی‌آید که افزوده‌های جدید ایشان، برخی تجویزها و یادداشت‌های روزانه پزشک «آرامایش ماردیروس» است. چنانچه مؤلف تنها به چاپ تصاویر همین تجویزها و یادداشت‌های روزانه پزشک نامبرده بسنده می‌کرد به هیچ‌روی از اعتبار نویسندگان و فصلنامه کاسته نمی‌شد. حقیقت این است که به جای چاپ مجدد خلاصه بازنویسی نسخه‌ای ناشناس درباره داروها می‌توان بازنویسی نسخه‌هایی معتبرتر را سرلوحه کار قرار داد، زیرا در گوشه‌وکنار کشور نسخ فراوانی در انتظار شناسایی و احیا هستند.

در پایان، ضمن آرزوی توفیق بیشتر برای دست‌اندرکاران و مؤلفان پیام بهارستان یادآوری می‌شود که در اعتبار این فصلنامه وزین همین کفایت می‌کند که به احیای گنجینه‌هایی دست یازیده است که چه‌بسا اگر اهالی این فصلنامه برای ثبت آنها پیشقدم نمی‌شدند به دست فراموشی و کهنگی سپرده می‌شدند. شایسته است که دست‌اندرکاران این فصلنامه با رفع برخی کاستی‌های جزئی، استفاده و مطالعه مطالب مندرج را آسان‌تر و خوشایندتر کنند. لذا موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- ویرایش فنی و ادبی و نمونه‌خوانی مقاله‌ها: به جز صفحات عکسی، تقریباً صفحه‌ای را نمی‌توان یافت که خطاهای ادبی، چاپی و فنی به آن راه نیافته باشد.

۲- تهیه شیوه‌نامه‌ای برای تألیف مقاله‌ها: سبک و سیاق مقاله‌ها، برای نمونه شیوه استناد و ارجاع آنها، با همدیگر متفاوت است. توصیه به نویسندگان مقاله‌ها برای استفاده از یک شیوه نگارشی یکسان، به همگونی مقاله‌ها خواهد انجامید.

۳- داوری و انتخاب مقاله‌های برگزیده برای پرهیز از چاپ مقاله‌های ناروشمند و کم‌بار.